درمکتب امام

سلام بر حقیقت محمدیه(ص)

خدایا، درود بی‌پایان فرست بر مبدأ و غایت ظهور و صورت و ماده اصل نور (که هیولای اولی است) و هم او برزخ کبراست چنانچه [دَنی] نزدیک شد پس تعینات را رها کرد [فَتَدَلّی] و خرامید [فکانَ قابَ قَوسَینِ] پس در جایگاه یک کمان کامل با دو قوس وجود و تکمیل دایره غیب و شهود قرار گرفت [أَو أَدنی] یا نزدیکتر از آنکه همان مقام عماء است، بلکه در آن جایگاه هیچ مقامی نیست.

صحیفه امام؛ ج۱؛ ص۸ | قم؛ ۷ تیر ۱۳۱۴

به بهانه میلاد فرخنده رسول مهربانی

خاتم پیامبران(ص) الگویی برای جهان بشریت

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

در روزگاری که جهان را ظلمت و فساد فراگرفته و ارزش‌های اخلاقی به دست فراموشی سپرده شده است، مسلمانان هیچ‌گاه نباید از یاد ببرند پیرو انسانی هستند که مرزهای فضائل انسانی را درنوردیده و بر قله عالم ماسوی جای گرفته است.

رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، عرش‌نشین بلند مرتبه‌ای است که ایامی چند با ما خاک‌نشینان ملازمت فرمود تا به ما شیوه زیستن و راه رسم بندگی بیاموزد. خداوند در کتاب خود بسیار حضرتش را ستوده و او را الگوی نیکویی برای عالم بشریت معرفی فرموده است.

در عید میلاد خجسته آن بزرگوار، صفحاتی از کتاب «الرحیق المختوم» تألیف شیخ صفی‌الرحمن مبارکپوری (متوفای ۱۴۲۷ق) عالم سنی مذهب هند در سیره پیامبر اکرم(ص) تقدیم عاشقان حضرتش می‌شود. اصل کتاب به زبان اردو است و مقاله زیر، ترجمه و تلخیصی از نسخه عربی آن می‌باشد:

رسول خدا(ص) در فصاحت بیان و شیوایی سخن منزلتی ممتاز داشت و از این نظر صاحب رتبه‌ای ویژه و جایگاهی غیر قابل انکار بود. آن حضرت از سلامت طبع، گفتار صحیح، سخن استوار و درستیِ مضامین، برخوردار و از تکلّف به دور بود. سخنانش کوتاه و عمیق و مملو از حکمت‌های بدیع بود. گویش‌های جزیره‌العرب را می‌دانست و با مردم هر قبیله به زبان خودشان سخن می‌گفت و با هر طایفه به لهجه خودشان گفت‌وگو می‌کرد. قوّت و زیبایی سخن بادیه‌نشینان و پیراستگی و آب و تاب نطقِ شهرنشینان را با هم یک‌جا داشت.

پیامبر اکرم(ص) حلیم و بردبار بود. از خطاکاران می‌گذشت و در برابر دشواری‌ها شکیبایی می‌ورزید. در مقابل شدت آزار و اذیت‌ها، صبر بیشتری نشان می‌داد و بر زیاده‌روی جاهلان بردبار بود. دیرتر از همه به خشم می‌آمد و زودتر از همه خشنود می‌گردید.

سخاوت و بزرگواری رسول خدا(ص) قابل وصف نیست. آنچنان اهل عطا و بخشش بود که گویی از تهیدست شدن باکی ندارد. ابن عباس گوید نبی اکرم از همه مردم بخشنده‌تر بود. در ماه رمضان که جبرئیل بیشتر به دیدار حضرتش می‌آمد، از همیشه بخشنده‌تر می‌شد. جبرئیل در هر شب از ماه رمضان به ملاقات رسول خدا(ص) می‌رفت و همراه آن حضرت قرآن را مرور می‌کرد و پیامبر در آن هنگام بخشنده‌تر از نسیم‌هایی بود که با خود نوید باران دارند. جابر گوید هرگز در برابر درخواستی «نه» نگفت.

در شجاعت و جنگاوری، جایگاهی غیر قابل انکار داشت. پیامبر از همه مردم شجاع‌تر بود و در کارزارهای سخت و دشوار حضور می‌یافت. جنگاوران و دلیران پیوسته از رویارویی با او پرهیز داشتند. آن حضرت هنگام نبرد، حمله می‌کرد و به دشمن پشت نمی‌نمود و دچار تردید و سستی نمی‌گردید. علی علیه‌السلام فرموده است هنگامی که آتش جنگ شعله‌ور می‌شد و چشمان جنگاوران را خون می‌گرفت، ما به رسول خدا(ص) پناه می‌بردیم و در آن شرایط، حضرتش از همه کس به دشمن نزدیک‌تر بود.

حجب و حیای پیامبر(ص) بیش از همه بود. ابوسعید خدری گوید آن گرامی از دوشیزگان پرده‌نشین، محجوب‌تر و باحیاتر بود و چنانچه چیزی را ناپسند می‌شمرد آثار آن از چهره مبارکش مشخص می‌شد. هیچ‌گاه خیره به صورت کسی نمی‌نگریست و دیدگانش فروهشته بود و بیش از آنکه به آسمان بنگرد، نگاه به زمین داشت. از فرط حیا و کرامت نفس، چیزی را که ناخوش می‌داشت بازگو نمی‌فرمود. هرگاه کسی کار ناپسندی انجام می‌داد آن را به رخ او نمی‌کشید. بلکه می‌فرمود چه شده است که بعضی چنین و چنان می‌کنند؟! آن حضرت سزاوارترین افراد به این بیت فَرَزدَق است که سروده است:

یُغضِی حَیاء وَ یُغضَی مِن مَهابَتِهِ فَلا یُکَلِّمُ إلّا حِینَ یَبتَسِمُ

«او از روی شرم، نگاه خود را به زمین می‌دوزد و دیگران از ابهّتش تاب نگریستن به چشمانش را ندارند و به این جهت نمی‌توان با او سخن گفت مگر آن زمان که لبخند بزند».

رسول گرامی اسلام(ص) عادل‌ترین و پاکدامن‌ترین انسان‌ها بود و از همه بیشتر عفو و گذشت داشت. ایشان راستگوترین و امانت‌دارترین مردم بود و به این نکته دوست و دشمن اعتراف داشتند. آن حضرت را پیش از بعثت، امین می‌خواندند و در عهد جاهلیت، داوری و قضاوتش در اختلافات را می‌پذیرفتند. ترمذی از امام علی علیه‌السلام روایت نموده است که روزی ابوجهل به آن حضرت گفت ما شخص تو را تکذیب نمی‌کنیم، بلکه آنچه که آورده‌ای مورد انکار ماست. بدین جهت خداوند متعال این آیه را نازل فرمود:

«فَإنَّهُم لا یُکَذِّبُونَکَ وَ لکِنَّ الظّالِمینَ بِآیاتِ اللهِ یَجحَدُونَ؛ آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه ستمگران در برابر آیات خدا به انکار برخاسته‌اند.» (انعام ۳۳)

رسول اعظم(ص) بیش از همه تواضع داشت و از تکبر و نخوت به شدت دور بود. آن حضرت اجازه نمی‌داد همانند کسانی که در برابر شاهان به پا می‌خیزند، در مقابلش قیام نمایند. از بینوایان عیادت می‌کرد و با تهیدستان مجالست داشت. دعوت بردگان را می‌پذیرفت و در میان اصحاب خود همانند یکی از آنان بود. عایشه گوید پای افزار خویش را خود پینه می‌زد و لباسش را خود می‌دوخت و همچون یکی از شما کارهای منزل را انجام می‌داد و همانند دیگر افراد، لباس خود را وصله می‌زد، گوسفند می‌دوشید و کارهای شخصی خود را به کسی نمی‌سپرد.

به عهد و پیمان از همه پایبندتر و وفادارتر بود و بیشتر صله رحم می‌کرد و بیش از دیگران، نسبت به مردم مهربان و دلسوز بود. در معاشرت و آداب بر همگان برتری داشت. نرمخوی‌ترین انسان‌ها بود و رفتار بد از او دیده نشد. هرگز زبان به فحش و بیهوده‌گویی نگشود. کسی را لعن و نفرین نکرد. در کوی و برزن بانگ نزد و بدی را با بدی پاسخ نداد بلکه عفو و چشم‌پوشی می‌کرد. اجازه نمی‌داد کسی پشت سرش راه رود. خوراک و پوشاک خود را از غلامان و کنیزان خویش برتر قرار نمی‌داد. به خدمتکاران خود خدمت می‌کرد و هرگز به آنان کمترین ترشرویی نکرد و آنها را در انجام دادن یا ترک فعلی ملامت ننمود. بینوایان را دوست می‌داشت و با آنان مجالست می‌فرمود. در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شد و هیچ تهیدستی را به خاطر فقر و نداری کوچک نشمرد.

اینک رشته سخن را به هند بن ابی‌هاله می‌سپاریم تا پیامبر خدا(ص) را آنچنان که دیده است برای ما وصف کند او می‌گوید:

رسول اعظم(ص) پیوسته اندوهگین می‌نمود و در حال تفکر و اندیشیدن بود. آسایشی برای خود قائل نمی‌شد. بیهوده سخن نمی‌گفت و خاموشی‌اش طولانی بود. با تمام دهان سخن می‌گفت و نه با گوشه لب.(مانند متکبران) سخنش کوتاه و جامع بود و کلامش نه فزونی داشت و نه کاستی. خویی در حد اعتدال داشت. نه اهل جفا بود و نه خود را خوار و خفیف می‌کرد. نعمت الهی را هر چند کوچک بود، بزرگ می‌شمرد. نه از غذائی بد می‌گفت و نه آن را می‌ستود. هنگامی‌که حق مورد تعرّض قرار می‌گرفت، هیچ‌کس تاب مقاومت در برابر غضبش را نداشت تا زمانی‌که آن حق را یاری می‌کرد. هیچ گاه به خاطر خود خشمگین نشد و از بزرگواری ذاتی که داشت هرگز برای خود انتقام نگرفت. هنگام اشاره کردن، با تمام کف دست اشاره می‌کرد(نه با گوشه چشم و مانند آن) و گاه که اظهار شگفتی می‌نمود دست خود را پشت و رو می‌کرد. هنگام خشم روی برمی‌گردانید و اعراض می‌نمود. وقت شادی پلک‌ها را بر هم می‌نهاد. خنده‌اش تبسم بود و گاه دندان‌هایش که در سپیدی به دانه‌های تگرگ می‌ماند، آشکار می‌شد.

در مجالس به یاد خدا می‌نشست و برمی‌خاست و برای خود مکان خاصی در نظر نمی‌گرفت. وقتی بر عده‌ای وارد می‌شد، در همان آخر مجلس که جای خالی وجود داشت می‌نشست و دیگران را به این امر سفارش می‌نمود. به همه کسانی که در مجلسش حضور داشتند توجه کافی داشت تا مبادا کسی گمان نبرد که دیگری نزد پیامبر از او گرامی‌تر است. هرکس درخواستی داشت یا حاجتش را برآورده می‌ساخت و یا با سخنی دلپذیر او را بازمی‌گرداند. نرم‌خویی و خُلق نیکویش شامل حال همه مردم بود و آن حضرت برای آنان به منزله پدر به شمار می‌رفت. افراد نزد او یکسان بودند و تنها امتیاز برتری، تقوا محسوب می‌شد. محضرش مجلس بردباری و حیا و شکیبایی و امانتداری بود. در حضور او صدایی بلند نمی‌شد. آبروها نزد او محفوظ بود و همه بر اساس تقوا به یکدیگر مهر می‌ورزیدند. بزرگان احترام داشتند و به کوچک‌ترها مهربانی می‌شد. افراد نیازمند مورد توجه لازم قرار می‌گرفتند و با تازه‌واردان ایجاد انس و الفت می‌شد.

پیوسته چهره‌ای گشاده داشت. خوش اخلاق و نرم‌خو بود و از درشت‌خویی و خشونت فاصله داشت. اهل سروصدا و دشنام نبود. کسی را ملامت نمی‌کرد، ستایش نیز نمی‌نمود. اگر رفتار کسی را نمی‌پسندید، از وی تغافل می‌نمود. خود را از سه چیز رهانیده بود: ریا و خودنمایی، زیاده‌گویی و چیزهایی که مربوط به او نبود و سه چیز را درباره مردم ترک گفته بود: لب به بدی کسی نمی‌گشود، نکوهش نمی‌کرد و کسی را رسوا نمی‌ساخت. سخن نمی‌گفت مگر جایی که امید ثواب و پاداش الهی می‌رفت. با خنده اصحاب می‌خندید و با اظهار شگفتی‌شان نیز متعجب می‌شد(و با اهل مجلس همراهی داشت). در برابر سخنان درشت افراد غریب، صبور بود و می‌فرمود هرگاه نیازمندی را دیدید که در پی حاجت خویش است، نیازش را برطرف سازید و در پی تشکر و ثنای او نباشید مگر آنکه خودش اظهار قدردانی نماید.

پیامبر اکرم(ص) به کمالات و خصوصیات اخلاقی بی‌نظیری آراسته بود و خداوند خود به او ادب آموخته و به زیبایی او را تربیت نموده بود تا جایی که در مقام ستایش، خطاب به آن حضرت فرمود: «وَ إنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظیم». مکارم اخلاقی رسول مکرم اسلام(ص) به‌گونه‌ای بود که دل‌ها را به او نزدیک و آن حضرت را محبوب قلوب می‌نمود و از او رهبری می‌ساخت که جذبه‌اش جان افراد را به سوی او می‌کشید. سرانجام پس از آن همه‌ستیزه‌جویی مشرکان، کینه‌توزی‌ها کاهش یافت و مردم فوج فوج وارد دین خدا شدند.

گزارش مستند کیهان از توهمات پایان‌ناپذیر آقای روحانی

سرویس سیاسی-

مدتی است که روحانی بار دیگر به صحنه بازگشته و با ادعاهای واهی و روایت‌های تحریف‌شده، در تلاش است تا ناکامی‌های آشکار خود را به گردن دیگران بیاندازد. او با فرار رو به جلو، بازی با بدیهیات و مقصر نشان دادن منتقدان، تلاش می‌کند خود را ناجی منافع ملی معرفی کند؛ حال آنکه واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی دوران او، از سقوط فروش نفت و رکوردهای تورم و دلار گرفته تا تحریم‌های چندبرابری، بر ناکارآمدی و سوءمدیریت آشکار او صحه می‌گذارد. این گزارش با بررسی اسناد، اعترافات مقامات داخلی و خارجی و عملکرد دولت روحانی، توهمات پایان‌ناپذیر او را به نقد می‌کشد و نشان می‌دهد که هزینه‌های این سیاست‌های غلط، مستقیماً بر دوش ملت ایران بوده است.

آقای حسن روحانی رئیس‌جمهور اسبق ایران پس از سه سالی که از آخرین روز دولت وی می‌گذشت، در یک سال اخیر شدت بیشتری به فعالیت‌های رسانه‌ای و اعلام مواضع خود داده است؛ آن هم نه با اعتراف به شکست‌های پیاپی و سوءمدیریت‌های تاریخی، بلکه با فرار رو به جلو، تحریف واقعیت و مقصر جلوه دادن دیگران. روحانی در روزهای اخیر، بار دیگر همان سناریوی تکراری را به نمایش گذاشت و مدعی شد که در ابتدای سال ۱۴۰۰، عده‌ای در داخل مانع توافق با آمریکا شدند و اگر این «موانع» نبود، امروز نه خبری از اسنپ‌بک بود و نه ایران متحمل ضرر ۵۰۰ میلیارد دلاری می‌شد.

این ادعا که در ظاهر رنگ و بوی عقلانیت به خود گرفته، در حقیقت چیزی جز بازتولید همان روایت شکست‌خورده «برجام» و تداوم بازی قدیمی «مظلوم‌نمایی» و «حمله به داخل» نیست؛ روشی که روحانی طی دو دهه اخیر از سعدآباد و بروکسل تا برجام و پس از آن بارها آزموده، و هر بار نیز جز هزینه برای کشور و فرصت‌سوزی برای ملت، ثمری به بار نیاورده است.

روحانی و فرار رو به جلو

روحانی در سخنرانی اخیر خود چنین گفت:«اگر در سال ۱۴۰۰ یک عده‌ای مانع نمی‌شدند و ما در دوره بایدن به برجام برمی‌گشتیم، که همه چیز هم آماده بود، همه توافقات هم شده بود، امروز نه تنها چیزی به نام اسنپ‌بک نداشتیم بلکه در این مدت حدود ۵۰۰ میلیارد هم ضرر نمی‌کردیم...»

این همان شگرد همیشگی است: «تبدیل ضعف و سوء مدیریت به مظلومیت». روحانی با این روایت می‌کوشد خود را در جایگاه «پیردانا» معرفی کند؛ کسی که همه چیز را می‌دانسته اما «تندروها» نگذاشته‌اند کار او به ثمر بنشیند! حال آنکه واقعیت درست عکس این است: نه در سعدآباد، نه در بروکسل، نه در برجام و نه در مذاکرات وین، طرف مقابل هیچ‌گاه آماده توافقی شرافتمندانه و پایدار نبود؛ و همواره این روحانی و تیم مذاکره‌کننده وی بود که با امتیازدهی‌های پی‌درپی، دستاوردهای هسته‌ای و اقتصادی کشور را واگذار می‌کرد و در مقابل، تحریم‌های تازه‌تری تحویل می‌گرفت.

روش ثابت روحانی: حمله به داخل، تطهیر دشمن

روحانی در تمام مسئولیت‌های خود ـ چه به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی در دولت اصلاحات و چه در مقام ریاست‌جمهوری ـ یک منش ثابت را دنبال کرده است: مقصر نشان دادن داخل برای پوشاندن شکست‌های دیپلماتیک خود. این منش، نه یک لغزش مقطعی بلکه یک رویه دائمی است. از مذاکرات سعدآباد تا مذاکرات برجام، همواره «داخلی‌ها» بهانه او بوده‌اند تا ناکامی‌های آشکار را به گردن دیگران بیندازد.

در حقیقت، روحانی هرگز حاضر نشده است به مردم توضیح دهد چرا در دوران ریاست‌جمهوری‌اش، با وجود اجرای یک توافق پرهزینه، ایران با کمترین میزان فروش نفت پس از انقلاب، بیشترین رشد قیمت دلار(۹ برابر)، تورم بی‌سابقه، فرار سرمایه، سقوط سرمایه‌گذاری خارجی و رکود بی‌سابقه اقتصادی مواجه شد.

دعوت به سکوت؛ طلبکاری عجیب مقصر اصلی

یکی دیگر از ابعاد شگفت‌آور سخنان اخیر روحانی، دعوت عجیب او از مخالفان به «سکوت» است. این در حالی است که مردم ایران هنوز تلخی ناکارآمدی‌ها، سوءمدیریت‌های مکرر و تصمیمات خسارت‌بار دوران ریاست‌جمهوری او را از یاد نبرده‌اند. دولتی که با شعار «تدبیر و امید» بر سر کار آمد، اما در عمل با بی‌برنامگی و تلاش برای نزدیکی صرف به غرب، یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های اقتصادی و اجتماعی تاریخ کشور را رقم زد. مردم همچنین ۹ برابر شدن نرخ دلار، نقدینگی افسارگسیخته، سقوط فروش نفت به ۲۰۰ هزار بشکه(بدون هیچ قطعنامه شورای امنیت)، بیشترین میزان تورم، کمترین میزان سرمایه‌گذاری خارجی و ده‌ها شاهکار دولت مدعی تدبیر وی را فراموش نکرده‌اند.

شاید اگر حمایت‌های حکیمانه و سنت حسنه و همیشگی رهبری در حمایت از رؤسای جمهور (از جمله روحانی) وجود نداشت، بی‌شک موج نارضایتی عمومی از عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم می‌توانست به مطالبه‌ای جدی برای عزل او منجر شود. بسیاری از مردم در همان سال‌ها، صراحتاً ناکارآمدی دولت وی را عامل اصلی گرانی‌ها، سقوط معیشت و گره خوردن زندگی روزمره خود می‌دانستند.

با این همه، روحانی نه تنها حاضر به پذیرش مسئولیت نیست بلکه با طلبکاری عجیب، امروز دیگران را به سکوت دعوت می‌کند؛ گویی خود در سال‌های گذشته سکاندار کشتی اقتصاد و سیاست ایران نبوده و گویی ده‌ها بحران ریز و درشت که در دوران او بر ملت تحمیل شد، ربطی به مدیریت وی نداشته است.

بازی با بدیهیات برای فرار از پاسخگویی

یکی از شگردهای ثابت روحانی، چه در دوران برجام و چه امروز، بازی کردن با بدیهیات و تبدیل آن به ابزار تطهیر خود است. او همواره با بیان جملات کلی و غیرقابل انکار نظیر «مذاکره بهتر از جنگ است» یا «توافق لازمه رفع مشکلات است»، تلاش کرده خود را در جایگاه عقلانیت مطلق قرار دهد. در این چارچوب، هرگونه نقد به نحوه‌ی مذاکره، محتوا یا نتایج توافق، به‌سرعت به‌عنوان مخالفت با اصل مذاکره یا دشمنی با منافع ملی معرفی می‌شود.

این روش، نوعی مغالطه آشکار است: منتقدان روحانی نه با «اصل مذاکره» مخالف بودند و نه با «اصل توافق»، بلکه با شیوه غلط مذاکره و توافق‌های پرخسارتی که او به کشور تحمیل کرد، مخالفت داشتند. اما روحانی به‌جای پاسخگویی به ضعف‌ها، صورت مسئله را پاک کرده و خود را ناجی معرفی می‌کرد.

نتایج کارنامه او اما بر همه روشن است: برجام به‌جای گشایش اقتصادی، منجر به چند برابر شدن تحریم‌ها شد؛ در دوران ریاست‌جمهوری‌اش، فروش نفت ایران به کمترین میزان پس از انقلاب رسید؛ رشد نقدینگی افسارگسیخته شد؛ تورم رکوردهای تاریخی را جابه‌جا کرد؛ و قیمت دلار ۹ برابر افزایش یافت. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نیز کمترین ارقام در تاریخ معاصر به ثبت رسید.

با وجود این، روحانی امروز نیز همان روش گذشته را ادامه می‌دهد: به‌جای اعتراف به ناکارآمدی‌ها، باز هم خود را در قامت مدعی می‌نشاند و تلاش می‌کند با حمله به منتقدان، صورت مسئله را وارونه جلوه دهد. او هیچ‌گاه حاضر نشد به پیشینه خود در دو تجربه مذاکره ـ چه در دوران اصلاحات و چه در دولت یازدهم و دوازدهم ـ و شکست‌های آشکار آن‌ها اشاره کند. بلکه همواره با فرار به جلو، کوشیده است خطاهای گذشته را بپوشاند و نقش خود را در خسارت‌های سنگین کشور نادیده بگیرد.

به بیان دیگر، روحانی همواره از «ادبیات بدیهیات» برای جا زدن خود به‌عنوان عقلانیت و از «برچسب‌زنی به منتقدان» برای فرار از پاسخگویی استفاده کرده است؛ روشی که شاید در کوتاه‌مدت کارساز باشد، اما در بلندمدت، واقعیت‌های میدانی و تجربه تلخ مردم، چهره واقعی او را آشکار ساخته است.

دروغ بزرگ «توافق آماده» در سال ۱۴۰۰

اما مهم‌ترین بخش سخنان اخیر روحانی، همان ادعای دروغین «توافق آماده در سال ۱۴۰۰» است. او می‌گوید همه چیز آماده بود و فقط «عده‌ای» مانع شدند. این سخن نه تنها با واقعیت‌های صحنه سیاست بین‌الملل تضاد کامل دارد، بلکه حتی با اذعان صریح نزدیک‌ترین یاران دیروز او نیز ناسازگار است.

سیدعباس عراقچی ـ مذاکره‌کننده ارشد ایران در همان روزها ـ در یادداشتی در واشنگتن‌پست (فروردین ۱۴۰۴) اعتراف کرد:«دلیل اصلی به نتیجه نرسیدن توافق در سال ۲۰۲۱، نبود اراده واقعی در دولت بایدن بود.» به بیان روشن‌تر، حتی اگر روحانی و تیمش تا ابد پای میز می‌نشستند، طرف آمریکایی اساساً قصد توافق نداشت.

همین واقعیت را بسیاری از مقامات آمریکایی نیز تأیید کردند. فرید زکریا در مرداد ۱۴۰۳ در واشنگتن‌پست نوشت: «دولت بایدن می‌توانست مسیر خود را تغییر دهد، اما از ترس واکنش شدید جمهوری‌خواهان، چنین نکرد. در نتیجه، سیاست آمریکا چیزی جز یک نمایش سخت‌گیری برای راضی نگه داشتن مخاطبان داخلی نبود.»

این یعنی توافقی در کار نبود که کسی بخواهد مانع آن شود؛ بلکه اصل ماجرا فقدان اراده در واشنگتن بود.

چرا باید به روحانی اعتماد دوباره می‌شد؟

سؤال اساسی این است جدای از این که ادعای روحانی اساسا دروغ است، چرا باید به فردی مثل او که دو بار امتحان پس داده و هر دو بار شکست خورده، اعتماد دوباره کرد؟ روحانی و تیمش، هم در دولت اصلاحات و هم در دولت یازدهم و دوازدهم، با امید بستن به غرب، توافقاتی را امضا کردند که نتیجه‌ای جز فرصت‌سوزی، کاهش توان داخلی و افزایش تحریم‌ها به دنبال نداشت.

نتیجه مذاکرات وی در دوران اصلاحات ۷ قطعنامه شورای حکام بود که آخرین قطعنامه زمینه‌ساز ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و قطعنامه‌هایی بود که او برای تبرئه خود آن را به دولت نهم و دهم نسبت می‌دهد.

در زمان برجام نیز گرچه وی مدعی لغو تمامی تحریم‌ها و دور شدن سایه جنگ از کشور بود، نه‌تنها تحریم‌ها برداشته نشد بلکه تحریم‌های بیشتری اعمال شد و کشور نهایتا در دهمین سال برجام، متحمل جنگی ناجوانمردانه از سوی آمریکا و اسرائیل شد. به گواه آمار، در همان دوران دولت یازدهم و دوازدهم بود که تولید نفت ایران سقوط کرد، دلار جهش تاریخی یافت، و شاخص‌های اقتصادی یکی پس از دیگری در بدترین وضعیت پس از انقلاب ثبت شد.

مرداد ۹۲ یا مرداد ۱۴۰۰؛ کدام بدتر بود

یکی از شگردهای روحانی و دیگر مسببان برجام برای فرار از پاسخگویی در برابر فاجعه مکانیسم ماشه و پذیرش «وتوی معکوس» توسط تیم مذاکره‌کننده، حمله به دولت‌های نهم و دهم در روزها و هفته‌های اخیر بوده است. آنان تلاش می‌کنند نتیجه مکانیسم ماشه را بازگشت به دوران قطعنامه‌های شورای امنیت و وضعیت کشور در مرداد ۱۳۹۲ معرفی کنند.

این در حالی است که برجامی‌ها ـ که در مذاکرات دوران اصلاحات نیز نقشی مهم داشتند ـ عامدانه چشم بر این واقعیت می‌بندند که متن و ارجاعات تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت و اختلافات آژانس، نه مربوط به دولت‌های نهم و دهم، بلکه ریشه‌دار در دوران اصلاحات است. همچنین با فرار از پاسخگویی در قبال این حقیقت که اساساً قطعنامه‌های شورای حکام در دولت اصلاحات، به‌ویژه در شهریور ۱۳۸۴، زمینه‌ساز ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت بود، نقش خود را در شکل‌گیری قطعنامه‌ها انکار می‌کنند.

این افراد در عین حال می‌کوشند با تکیه بر دروغ‌ها و توهمات، دولت‌های نهم و دهم را به بی‌تدبیری متهم کرده و وضعیت مرداد ۱۳۹۲ را سیاه جلوه دهند. حال آنکه در پایان دولت دهم، فروش نفت ایران به رقم یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه رسیده بود و علی‌رغم تمام فشار تحریم‌ها، اقتصاد کشور به‌مراتب وضعیتی بهتر از سال ۱۴۰۰ و پایان دولت روحانی داشت. حتی تهدیدات دشمن نسبت به جنگ و ماجراجویی علیه ایران در آن دوران، بسیار کمتر از دوران پس از برجام بود.

روایت آمریکایی‌ها از آن روزها

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد یکی از شواهد روشن بر بطلان ادعای روحانی، مقاله فرید زکریا در مرداد ۱۴۰۳ در روزنامه واشنگتن‌پست است. زکریا به صراحت نوشت که دولت بایدن در ابتدای کار هیچ تغییری نسبت به دوران ترامپ در پیش نگرفت و همان خط تحریم و فشار حداکثری را، تنها با ادبیاتی نرم‌تر، ادامه داد. او تأکید می‌کند که پیش‌بینی نتیجه مذاکرات هسته‌ای اساساً غیرممکن بود، چرا که ظرف دو سال سیاست آمریکا کاملاً دگرگون شده بود و بازگشت به مسیر پیشین، نیازمند شجاعت سیاسی بود؛ شجاعتی که بایدن آن را نداشت.

زکریا اذعان می‌کند: دولت بایدن می‌توانست مسیر خود را تغییر دهد، اما از ترس واکنش شدید جمهوری‌خواهان، چنین نکرد. نتیجه این شد که سیاست فعلیِ آمریکا هیچ استراتژی منسجم و روشنی ندارد و صرفاً به نمایشی برای افکار عمومی داخلی تبدیل شده است؛ نمایشی که هدف آن «سخت جلوه دادن» رویکرد آمریکا در قبال ایران است. در حقیقت، همانند ترامپ، این بار هم راهبرد اصلی واشنگتن نه دستیابی به توافق واقعی، بلکه مدیریت فضای داخلی و حفظ فشار بر ایران بود.

این تحلیل آشکار می‌سازد که برخلاف روایت‌سازی روحانی، مانع اصلی توافق در سال ۱۴۰۰ نه «تندروهای داخلی» بلکه ساختار سیاسی آمریکا بود؛ ساختاری که ترجیح داد با حفظ فشار، هم جمهوری‌خواهان را آرام نگه دارد و هم توهم فروپاشی جمهوری اسلامی را زنده نگه دارد.

برای روشن‌تر شدن حقیقت، کافی است به مواضع مقامات آمریکایی در همان سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نگاه کنیم. جاش گاتهایمر، نماینده دموکرات کنگره، آشکارا نوشت که او و گروهی از نمایندگان دموکرات و جمهوری‌خواه به دنبال «توافقی طولانی‌تر، قوی‌تر و سخت‌تر» هستند. آیا چنین فضائی نشانه آمادگی آمریکا برای بازگشت به برجام بود؟

حتی شنیده‌ها حکایت از آن دارد که در همان مقطع، آمریکایی‌ها برای مدتی طولانی حاضر به حضور در مذاکرات هم نشدند؛ چراکه احساس می‌کردند دولت روحانی نیازمند توافق است و بهتر است با فشار بیشتر، امتیازات بیشتری بگیرند. نهایتاً نیز آنچه پیشنهاد شد، چیزی جز «مذاکره گام‌به‌گام» نبود؛ روندی که صریحاً با احیای برجام تفاوت داشت و عملاً هیچ تضمینی برای بازگشت آمریکا به توافق نمی‌داد.

۵۰۰ میلیارد دلار خیالی

روحانی در سخنان اخیر خود، بار دیگر همان ادبیات ساده‌انگارانه «برجامی‌ها» را تکرار کرد و مدعی شد که ایران در این چهار سال ۵۰۰ میلیارد دلار ضرر کرده است. این در حالی است که بزرگ‌ترین بخش از این خسارات، دقیقاً محصول دوران ریاست‌جمهوری خود او بود؛ زمانی که با سوءمدیریت و وابستگی به غرب، فروش نفت ایران به کمترین میزان تاریخ رسید، نقدینگی افسارگسیخته شد، و دلار جهش ۹ برابری را تجربه کرد.

بنابراین، اگر کسی باید پاسخگوی این خسارات باشد، شخص روحانی و تیم اقتصادی‌اش است؛ نه منتقدانی که از ابتدا نسبت به خطای راهبردی «اعتماد به آمریکا» هشدار داده بودند.

سکوت یا طلبکاری؟!

روحانی در حالی امروز مخالفان خود را دعوت به سکوت می‌کند که هنوز مردم تلخی دوران او را فراموش نکرده‌اند. اگر حمایت‌های رهبری از رؤسای جمهور شامل حال او نمی‌شد، بی‌کفایتی و سومدیریت‌های مکررش می‌توانست به مطالبه عمومی برای عزل وی بینجامد.

اینکه امروز، پس از سه سال سکوت، بار دیگر با ادعاهای واهی بازگشته و خود را طلبکار نشان می‌دهد، بیش از پیش ماهیت او را برای مردم آشکار می‌سازد.

وی پس از چند سال سکوت، دوباره به صحنه بازگشته است؛ اما نه با اعتراف به خطاهای بزرگ و ناکارآمدی‌های تاریخی، بلکه با همان روش قدیمی: فرار به جلو، مقصر جلوه دادن دیگران و بازتولید توهمات شکست‌خورده. او همچنان می‌کوشد با بازی با بدیهیات و برچسب‌زنی به منتقدان، از پاسخگویی بگریزد و خود را در جایگاه عقلانیت معرفی کند.

اما مردم ایران، تجربه تلخ دوران او را به‌روشنی به یاد دارند: سال‌هایی که اقتصاد کشور به بدترین وضعیت دهه‌های اخیر رسید، تحریم‌ها چند برابر شد و امید به گشایش بر باد رفت. امروز نیز تکرار همان ادعاها بیش از آنکه نشانی از «دغدغه ملی» باشد، ادامه همان پروژه تطهیر خویش است. واقعیت این است که ملت ایران هزینه سنگین این خطاها را پرداخته‌اند و دیگر فریب این روایت‌های وارونه را نخواهند خورد. بازگشت روحانی با ادعاهای تازه، چیزی جز تکرار توهمات پایان‌ناپذیر گذشته نیست؛ توهماتی که پرونده آن برای همیشه در حافظه تاریخی ملت بسته شده است.

گروسی باز هم از محکوم کردن جنایات اسرائیل علیه ایران طفره رفت

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حاضر به محکوم کردن مستقیم جنایات اسرائیل نشد و اظهار داشت: ما به دلایل مشخص از انجام این کار خودداری می‌کنیم.

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنفرانس خبری روز دوشنبه خود درخصوص برنامه دقیق سفر به ایران گفت «هنوز زمان مشخصی برای سفر به ایران تعیین نشده است» اما ابراز امیدواری کرد در چارچوب عادی‌سازی روابط بتواند به ایران سفر کند.

روند اعتمادسازی با ایران زمان می‌برد

گروسی در ادامه در پاسخ به سؤالی درخصوص روند برقراری اعتماد مجدد بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت «آنچه در مورد اعتماد به آن اشاره کردید، بخشی از تلاش‌هایی است که ما از طریق رایزنی‌ها، مذاکرات و گفت‌وگوهای جاری با ایران در سطوح مختلف در حال پیگیری آن هستیم. باید بگویم ما نشست‌های فنی در تهران و همچنین در وین داشته‌ایم. همچنین چند گفت‌وگوی تلفنی با وزیر امور خارجه، آقای عراقچی، داشته‌ام. بنابراین فکر می‌کنم این یک روند است که زمان خواهد برد، اما نظر من این است که ما در مسیر درستی حرکت می‌کنیم.

زمان رو به پایان است

وی در بخشی از این مصاحبه به بخش‌هایی از اظهارات خود در آغاز نشست شورای حکام مبنی بر اینکه زمان با ایران رو به پایان است اشاره کرد.

مدیرکل آژانس گفت: «فعالیت‌های بازرسی ما بر اساس موافقتنامه جامع پادمان (CSA) انجام می‌شود. این یک تعهد حقوقی الزام‌آور است، نه یک اقدام اعتمادساز. در این توافقنامه جدول‌های زمانی و مقررات مشخصی وجود دارد که باید رعایت شوند؛ نه فقط درباره بازرسی‌ها، بلکه به‌ویژه وقتی کشوری تغییرات مهمی در موجودی مواد هسته‌ای خود دارد.»

گروسی با این ادعا که زمان انجام برخی از این تعهدات رو به سپری شدن است، گفت «اکنون این جدول‌های زمانی معمول سپری شده‌اند. به همین دلیل من همیشه تأکید می‌کنم که در روابط و گفت‌وگو با ایران باید از عقل سلیم استفاده کنیم، چون این موضوع بسیار مهم است. آنچه در ایران رخ داد ساده نبود؛ یک حمله نظامی ۱۲ روزه همراه با تخریب فیزیکی و مسائل سیاسی دیگر وجود داشت.»

وی سپس ادامه داد «ما با توجه به این‌که جنبه‌های مهمی از جمله مواد هسته‌ای در ایران وجود دارد باید اقدامات ضروری را انجام دهیم به همین منظور ما وقت نداریم، روزها، هفته‌ها و ماهها به گفت‌وگوی بدون پایان (با ایران) ادامه دهیم و وقتی به زمان و به پایان رسیدن زمان اشاره کردم منظورم همین بود».

فعالسازی مکانیسم